

تقدیر و بحث



(۱)

ارزش میراث صوفیه

تألیف آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب استاد دانشکده ادبیات و علوم
انسانی دانشگاه تهران

چاپ اول سال ۱۳۴۴ ناشر انتشارات آریا

-۹-

دنباله شماره ۱۱ - ۱۲ سال پنجم

آقای دکتر زرین کوب در کتاب ارزش میراث صوفیه در صفحه ۳۸ می نویسد: «با این همه بعضی از صوفیان - خاصه در این سه چهار قرن اخیر - بوده اند، که از جهت کوتاه فکری خویش، یا برای اجتناب از شناعت مخالفان، وحدت و اتحاد را که هدف عرفان و غایت سلوک است، فقط بانور محمدی و وجود پیغمبر ممکن می شمارند، و اتحاد و اتصال با حق را محال میدانند، و بدینگونه طریقت را، حتی در نهایت مقصد، با شریعت یکی می پندارند». برای اینکه خوانندگان ماهنامه تحقیقی گوهر التفات نمایند که جملات مزبور، تاجه اندازه از حیث حقیقت عرفانی و حکمی فاقد ارزش علمی و تحقیقی است و نویسنده آن، علی‌المبنا، نسبت بمسائل مذکوره در کتاب مورد نقد، نااهل است، موضوع عبارات نقل شده را در سه قسمت مورد تحقیق و رسیدگی علمی قرار میدهیم و بتحلیل نظرات حکیمان و

✨ آقای دکتر غلامحسین رضا نژاد (نوشین) وکیل پایه ۱ دادگستری - از محققان صاحب نظر

معاصر

عارفان بزرگ در این خصوص می‌پردازیم .

۱ - کوتاه‌فکری یا اجتناب از شنعت بعضی از صوفیه خاصه در قرون اخیره .

با اینکه معلوم است که نویسندگانی که کوتاه‌فکری را اعتقاد صوفیه بوجود پیغمبر اسلام و نور محمدی ص ، در غایت سلوک عرفانی میداند ، اما اساسی این صوفیه کوتاه‌فکر خاصه در سه چهار قرن اخیر را در عبارت خود نیاورده ، تا با مراجعه به آثار و سخنان آنان حقیقت این ادعا روشن شود . اما قبل از هر موضوع ، این سخن گفتنی است که ، نویسندگان کتاب که استاد دانشگاه و مربی جوانان و مسلمان و دارای موقعیتی ممتاز است باید علی‌الرسم و مانند دیگر محققان معتقد و مؤمن نام پیامبر گرامی اسلام و پیشوایان معصوم شیعه علیهم‌السلام را با حرمت و عزت ذکر کند: ان الله وملائكته يصلون على النبي . چنین مسامحه‌ای قابل اعتذار نیست .

باری ، نسبت کوتاه‌فکری و اجتناب از بدگویی مخالفان بصوفیه در اظهار عقائد خود بی‌نادرست مینماید ، چه اعتقاد آنان در مورد نور محمدی و وجود پیغمبر ص مأخوذ از حدیث معروف نبوی : « اول ما خلق الله تعالی نوری » میباشد که زبانه حکما و عرفای شامخ و متاله اسلامی است . پس از زمان پیامبر ص تا کنون در مورد اول ما خلق الله و یا بقول حکمای اسلامی « اول ما صدر من الله » چنانکه در قسمت دوم این بحث خواهد آمد ، میان صوفیه کدترین اختلافی نیست و اعتقاد « باول ما خلق الله نوری » نه تنها دلیل کوتاه‌فکری صوفیه نیست ، بلکه دلیل کمال عقل و برهان و عشق و ایمان آنان بمعرفت افعال و آثار و صفات و ذات حضرت احدیت مطلقه و نور الانوار میباشد برخلاف گفتار آقای دکتر زرین کوب اعتقاد بدین حدیث و یا آنرا کمال غایبی سلوک عرفانی دانستن برای اجتناب از شنعت مخالفان صوفیه نبوده است ، زیرا از متصوفه اسلامی ، کسانی که قائل بحلول و اتحاد شده‌اند ، چنانکه شرح ورد آن در شماره‌های پیشین گذشت بسیار نادر و اندک بوده است ، این نادر و اندک هم در عقیده خود متأثر از عقاید نصارا بوده‌اند ، نه بزرگان اسلام و پیشوایان فضیلم آن . بنا بر این نسبت کوتاه‌فکری و ترس از شنعت مخالفان بصوفیه شامخه صرف تهمت و معترض عدم اطلاع در حکمت و مسائل عرفان اسلامی است .

۲ - هدف عرفان و غایت سلوک را نور محمدی ص دانستن .

در این مبحث که در حقیقت شکافتن و توجه کافی و التفات علمی بدان ، خواننده را در فهم بسیاری از مسائل عرفانی یاری میکند و در واقع مقدمه ایست بر قسمت سوم و نتیجه تحلیلی از قسمت اول ، باید تذکار دهیم : که کلیه ارباب حدیث و اصحاب روایت و درایت

و نیز همه حکمای بزرگ اسلام و عرفای فخام ، در خصوص اول ماصدر من الله تعالی ، و یا اول ما خلق الله - جل سلطانه - عقیده دارند، که وجود پیغمبر یا نور محمدی ، نخستین خلق و اول ماصدر (بفتح صاد و دال) میباشد و چنانکه قبلاً ذکر شد ، این حدیث از پیامبر اسلام ص روایت شده و تقریباً همه ملل و نحل اسلامی ، در اعتقاد بدان موافق و ولی برخی از حکماء و عرفا در تفسیر و تعبیر آن مختلفند .

در باره اول مخلوق یا صادر نخست از خداوند متعال ، احادیثی مذکور افتاده و از مجرای علماء حدیث در جریان افواه حکماء و عرفا قرار یافته است که در این قسمت بشرح و بسط آن پرداخته ، نظرات فلاسفه و متکلمان را از یکسو و عقیده متالهان از حکما و عرفا را از سوی دیگر خواهیم آورد :

یکی از این احادیث : «اول ما خلق الله تعالی العقل» است که شیخ صدوق در کتاب علل ، آنرا از حضرت قطب الموحدین ، امیر المومنین (ع) نقل کرده است و حضرت رسول اکرم ص در پاسخ ولی الله اعظم که از او پرسیده اولین خلق خدا چیست فرموده است : «ان الله تعالی خلق العقل وهو اول خلق من الروحانيين عن عین العرش» ، که منظور از اول ما خلق یا نخستین صادر ، اولین تعین وجودی است که از ترکیب ازدواجی و اتحادی با ماهیت متعینی حاصل میشود . مراد و مقصود از اول بودن ، چنانکه حکیم دقیق و عارف کثیر التحقیق مرحوم میرزا مهدی مدرس آشتیانی در کتاب اساس التوحید^۱ معتقد است ، اولیت تقدیری و ظهور علمی و ثبوتی ذاتی است ، که عبارت الاخری از عین ثابت محمدی ص بتقدم در ظهور علمی عنایی نسبت بسایر ممکنات می باشد . بدیهی است این ظهور علمی در موطن واحدیت است نه احدیت که همه تعینات در مقام اخیر مندرک و مضمحل هستند و بهمین جهت آنرا مقام لا اعتباری - یعنی عدم اعتبار تعینات امکانیه - نامند و افعال و صفات نیز در مرتبه مزبور مشمول همین حکم عدم اعتبارند و در خصوص نور و حقیقت محمدی حدیث معروف «كنت نبياً و آدم بين الماء والطين - من نبی بودم ، در حالیکه آدم ع در میان آب و گل بود - اشاره بدان می باشد» و نیز دو حدیث : «نحن الآخرون السابقون» و «انا اول الانبياء خلقاً و آخرهم بعثاً» حاکی از تقدم در ظهور علمی و اولیت آن حضرت است . اما مراد از عقل در حدیث مزبور ، یعنی منتهی الیه عقول طولیه و عرضیه در قوس صعود و نخستین موجود مجردی است که از احتوای زمان و مکان بیرون و از هیز اعتبارات اشاره و حس و جهت بدور می باشد که از آن بصدر ساقه عقول طولیه و متکافئه - برابر نهاده - تعبیر میشود .

ادامه دارد